

آقای مهندس روحانی

امیرفیض – حقوقدان

پیشنهاد و نظر حضرتعالی را گرفتم. اظهار نظر حقوقی، کلی و متوجه موضوع است، نه شخص. اگر اظهار نظر حقوقی متوجه شخص و عمل منتسب به شخص باشد نامش قضاوت نسبت به شخص و عمل اوست و آن کار ساده ای نیست. توقع رعایت آن از ناحیه دیگران زیاده خواهی است.

از باب توضیح؛ حقوق جزا بحث و ارائه نظرات در باب موضوعات و منهیات و ماهیت جرائم و امثال آنهاست. و آئین دادرسی کیفی کیفیت قضاوت و تطبیق عمل شخص با جرم و انتساب به شخص را تشریح میکند که کاری است در صلاحیت اشخاص خاص.

اینکه نوشته اید «شما و دیگران از آن موضوع و یا موضوعات هیچ اطلاعی ندارید» مربوط به خودتان است، هیچکس نیست که از همه موضوعات مطلع باشد و انگهی شما بر چه مبنائی اعلام جهل دیگران را به موضوعی فراگیر یعنی اصل استصحاب اعلام میفرمائید؟ کافر همه را بدین خود پندارد همین جا مصداق پیدا میکند. متوجه هستید که انتساب جهل به دیگران چه اهانتی است؟ از کسی که خود را فولاد آبدیده معرفی میکند این بی احتیاطی ها بعید است.

هر کس مختار است آنچه میاندیشد و براه مصلحت انتشار آنرا پسند میداند بنویسد؛ عده ای از آن بهره میگیرند، عده ای هیچ نمی فهمند، عده ای بدشان میآید و عده ای هم خوششان میآید.

به همین اعتبار است که گفتم اند:

هر که تالیفی به هر عنوان کند ذوق خود را در ترازو مینهد

در ترازوی پسند مشتری بیگمان شاهین گهی سر میزند

خیلی چیزها هست که دیگران میدانند ولی ما نمیدانیم، و بسیار هم هست که بنده میدانم و دیگران نمیدانند و آن این است که من میدانم که هیچ نمیدانم و برخی با آنکه میگویند نمیدانیم در همه امور مدعی دانستن هستند.

همه بزرگان گفته اند در موضوعی که اطلاع ندارید دخالت نفرمائید. اعلام شما به اینکه بی اطلاع هستید و دخالت میفرمائید به مجرای حق حاکمیت وصل نمیشود به مجرای منیت ختم میگردد.

نوشته اید بنده «در دنیای رویا برای خود تصورات خوب وبد میکنم».

رویا، تصاویر فکری انسان در خواب است. حضرتعالی باید یک شخص فوق العاده ای باشید که تصاویر فکری مرامیدانید و خوب وبد آنرا هم میشناسید آنطور که تورات میگوید فقط یوسف ودانیال این هنر را داشته اند ولی آن دونفر فرق بین رویا و یک نوشته را میدانند ولی حضرتعالی خیر.

خوانندگان دیگر هم برای اینکه موضوع را بدانند ناچارم نوشته آقای مهندس روحانی و پاسخی که داده شده بود را به اینجا بیاورم.

آقای مهندس

همانطور که ملاحظه فرمودید و اگر دقت کردید نوشته شده بود، نوشته و یادداشت هایی بین این نگارنده «جاوید ایران» و ایرانیار دیگری در باره سرکردگان گذشته، از جمله آقای اسد الله علم و وو در جریان بوده که رویه آن به استاد امیرفیض فرستاده شده بود و ایشان این رهنمود را به من فرستاده بودند و به آن شخص که طرف صحبت من بود. من همانطور که خواندید نوشته را که مهم بود برای همگان فرستادم. در زیر نویسی مختصری از نوشته ای که در سه ایمیل بین آن ایرانیار و من رفته بود را آورده بودم. برخی مطالب رد و بدل شده که بین دونفر بوده را که همه نبایستی ببینند.

امیدوارم روشن شده باشد.
یکبار دیگر نوشته استاد را با زیر نویسی که من اضافه کرده ام بخوانید
اگر باز هم لازم به توضیح بود پرسید
ح-ک

جناب جاوید ایران

بادرود

همراه را که نوشته جناب امیر فیض میباشد خواندم ،البته ایشان پایه های حقوقی موضوع و یاموضوعاتی رامطرح نموده اند،که من و دیگران از آن موضوع و یاموضوعات هیچ اطلاعی نداریم و در دنیای رویا برای خود تصویری خوب یابد میکنیم . نیکو میبود اگر جناب امیر فیض اصل موضوع و یا موضوعات را مطرح می فرمودند و در جوارش پایه های حقوقی را میآوردند ، تا خواننده گرفتار یکهزار فکری نگردد. این یک پیشنهاد میباشد و من خواننده هیچگونه حقی ندارم که به ایشان تکلیف کنم.

با احترام

روحانی

آلمان فدرال

۲۰۱۴-۱۰-۱۴

----- Original Message -----

From: [Javidiran \(PeymanMeli\)](#)
To: [A Undisclosed Recipients \(Javid\)](#)
Sent: Monday, October 13, 2014 7:05 PM
Subject: Enteghat, Tabadol Nazar, Shahadat va Naghle ghol

تبادل نظر. استناد. شهادت و نقل قول

لازم است بادقت خوانده شود نکات حقوقی و مهم و تاریخی در بر دارد.